



۲۰۲۰/۱۰/۲۴



طارق ارسلانی

## نادرشاه افشار و مفکوره اتحاد سرزمینهای اسلامی

(بخش اول)

اختلافات فقهی که در صدر اسلام میان فرقه های مختلف اسلامی آغاز گردیده بود با تسلط شاه اسماعیل صفوی در ایران معجون نژادی را نیز با خود آمیخته و جهت استیلای اقتدار سیاسی صفویان بکار گرفته شد. سلاطین و حکام بعدی نیز به این اختلافات بیشتر دامن زدند و در سالهای اخیر قدرتهای جهانی نیز غرض تسلط بر منابع اقتصادی کشورهای اسلامی بر طبل این اختلافات بیشتر کوبیدند تا جائیکه امروز اختلافات فقهی صدر اسلام به رقابتهای نظامی میان کشورهای اسلامی مبدل گردیده است. اگر دامن این اختلافات همچنان گسترده شود و تدبیری برای جلوگیری آن سنجیده نشود، در آینده نه چندان دور رو دررویی فاجعه باری جهان اسلام را تهدید میکند. متأسفانه سران قدرتهای اسلامی بجای اقدام در جلوگیری چنین یک فاجعه یی به ائتلافات سیاسی و سنگربندی های نظامی روی آورده اند. گفته میتوان که نادر شاه افشار اولین زمامدار اسلامی بود که ۲۵۰ سال قبل خطر روز افزون اختلاف تسنن و تشیع را درک و در راه نزدیکی و اتحاد فرقه های اسلامی بشدت مبارزه نمود.

نادر قلی (یعنی بنده خدا) که بعد ها به نادر شاه افشار مشهور گردید در "درگز" در شمال خراسان ایران در میان عشیره بادیه نشین "قرخلو" در یک خانواده فقیر بدنیا آمد. زمانی که نادر به جوانی رسید، فارس در معرض انحطاط و چور و چپاول طوائف و قبائل مختلف داخلی و خارجی قرار داشت. در هژده سالگی نادر با مادر خود از طرف قبائل ازبکهای خوارزم به اسارت درآمد که بعداً فرار نمود. نادر مدتی را به قطاع الطریقی و رهزنی سپری نمود و بعداً در خدمت امرای محلی استخدام گردید. مقارن همین ایام (۸ مارچ ۱۷۲۲) لشکر صد هزار نفری صفوی مجهز به توپخانه سنگین و تفنگهای فتیله یی در جنگ گلناباد در مقابل ۲۳ هزار سپاهیان خسته "شاه محمود هوتکی" (پسر میرویس خان هوتک) که با سلاح ساده و شمشیر های کهنه مجهز بودند به سختی شکست خورد که در نتیجه شاه حسین صفوی آخرین شاه از سلسله امپراطوری بزرگ صفویان تاج شاهی خود را بر سر شاه محمود گذاشت. شاه تهماسب دوم پسر شاه حسین که در اینموقع در شمال ایران بود (قزوین) اعلان پادشاهی نمود. نادر بعد از نشان دادن یک سلسله مهارت های جنگی در خدمت شاه تهماسب درآمد و بزودی بمقام سپهسالاری لشکر ارتقا نمود این در حالی که آذربایجان و ایالات غربی و جنوبی فارس توسط ترکهای عثمانی اشغال گردیده بودند، از شمال روس ها گیلان و نواحی اطراف بحیره خزر را بتصرف خود درآوردند، و از شرق نیز محمود هوتک (و بتعقیب آن اشرف هوتک) تا اصفهان پیشروی نمودند. این دوران مصادف با اوج رقابت میان ترکیه عثمانی و روسیه تزاری بر سر حاکمیت منطقه بود. "سلطان احمد" امپراطور

عثمانی با استفاده از اوضاع متشتت ایران، "احمد پاشا" والی بغداد را با شصت هزار قوا امر پیشروی در داخل ایران داد که شاه اشرف هوتکی با کمتر از سی هزار لشکر جهت مدافعه برآمد و در جنگی که میان طرفین درخارج از اصفهان واقع گردید اشرف هوتکی شکست سختی به "احمد پاشا" داد و ترکها را مجبور به عقبنشینی و متارکه نمود (مارچ ۱۷۲۶) و حدود قلمرو دو کشور برتری تعیین گردید که: "ولایات خوزستان، لرستان، اردبیل، و خلخال به دولت عثمانی و ولایت سمت شرقی عراق و دارالمرز به افغان ها متعلق باشد." این رویداد به حیث یگانه جنگ میان افغانها و ترکها در تاریخ ثبت گردیده است. روسها نیز با استفاده از موقع از شمال شروع به پیشروی در داخل خاک ایران نمودند؛ سیدال خان ناصری قومندان با استعداد شاه اشرف در جنگ سختی جلو پیشرفت روسها را گرفت و در نتیجه معاهده ده فقره بی میان افغانها و روسها بر سر تعیین حدود قلمرو ایران به امضا رسید! اشرف هوتکی بجای استفاده از رقابت روسیه تزاری و ترکیه عثمانی متأسفانه با هر دو امپراطوری در عین زمان درگیر گردید که این عمل سرانجام باعث تباهی اش گردید.

سرکوبهای خوشونتبار میرمحمود هوتک و دست درازی های ترکیه عثمانی و روسیه زار، امید هر نوع مقاومت و مبارزه را در میان مردمان فارس از میان برده بود. در چنین حال و اوضاع ظهور نادر قلی برای ایران مثال یک ناجی و مسیحا بود. نادر توانست تا ابتدا ملک محمود سیستانی را در سیستان و بعداً بکمک افسران توپچی روسی شاه اشرف هوتکی را نخست در دامغان و بعداً در مهماندوست شکست بدهد. نادر، برخلاف اشرف هوتکی، با استفاده از رقابت ترکیه عثمانی و روسیه زیرکانه یکی را در مقابل دیگری بنفع خود استعمال و به اینترتیب تمامی مناطق غربی ایران را از ترک ها و گرجستان را دوباره از روس ها بدست آورد. نادر افشار در پی بیست سال مبارزه مستمر و خستگی ناپذیر توانست تا تمام مدعیان داخلی قدرت و دشمنان خارجی ایران را شکست دهد و امنیت را در سرتاسر ایران تأمین نماید. چون شاه تهماسب ثانی هنوز زنده و رسماً پادشاه ایران بود، نادر قلی افشار نمیتوانست مستقیماً ادعای پادشاهی نماید بناءً بتعداد بیست هزار از بزرگان فارس را جهت تعیین زعیم آینده کشور در داشت مغان دعوت نمود. نادر در جلسات متعدد ظاهراً از قبولی پادشاهی طفره میرفت و اظهار مینمود که اعضای مجلس اختیار دارند تا شاه تهماسب ثانی و یا شاه عباس ثالث یا هر شخص دیگر را که خواسته باشند بحیث شاه خود انتخاب کنند. بزرگان فارس چون نبوغ و درایت نادر را میدیدند اصرار ورزیدند تا خود تاج پادشاهی را بر سر نهد. "نادر حدود یکماه از قبول امتناع ورزید تا آنکه بالاخره در نتیجه التماس های مجمع عاقبت قبول کرد." نادر برای قبولی این پیشنهاد سه شرط گذاشت. یکی از شرایط نادر این بود که مردم: "دست از مذهب شیعه که بوسیله شاه اسماعیل متداول گردیده باز دارند و این مذهب را که مخالف اسلام کرام و اروغ عظام همایون ماست ترک نمایند و به مذهب اهل سنت و جماعت سالک شوند" که "با این تدبیر اتحاد ممالک اسلامی صورت گیرد" دو شرط دیگر نادر میراثی گردیدن سلطنت در میان خانواده اش و عدم حمایت از سلسله صفوی بود. بجز یکی از روحانیون بقیه حاضرین همه گوی شرایط نادر را پذیرفتند که "با مهر حضار در خزانه حفظ گردید." بدینترتیب نادر در هشت مارچ ۱۷۳۶ بر تخت نشست.

با بدست آوردن حمایت بزرگان ایران، نادر شاه افشار اظهار نمود: "چون پادشاه روم (ترکیه عثمانی) خادم حرمین شریفین است ما در مقام دوستی این عهد [را] که از جانب شما بعمل آمد بحضور پادشاه روم فرستاده بشرط قبول پنج مطلب بنای مصالحه میگذاریم تا رفع اختلاف از میان امت سید تقلین گردد" و همان بود که فی المجلس مکتوبی به سلطان

احمد پاشا امپراطور عثمانی نوشت و ضمن مطالبه استرداد بقیه متصرفات عثمانی سرزمینهای فارس پیشنهاد نمود "چون مردمان فارس از اعتقادات سابق خود نکول (صرفنظر) و طریق اصول امام جعفر صادق را اختیار کرده اند، قضات و علما و افندیان کرام روم اذعان بصحت آن کرده آنرا خامس مذاهب شمارند."

طارق ارسلائی – ایالت ویرجینیا، امریکا



[برای مطالب دیگر طارق ارسلائی، اینجا کلیک نمائید.](#)

